

پیامدهای عدم درک صحیح از «باید»ها و «نباید»ها در سیاست خارجی

نوشته دکتر هوشنگ گنجهای

همچنان که پیش‌تر و بارها در مجله گزارش اشاره شده، از دیدگاه سیاست ملی، نخستین اولویت سیاست خارجی ایران، می‌بایست توجه ویژه و تمرکز کوشش‌ها بر روی سرزمین‌ها و مردمی باشد که در درازای تاریخ با ما دارای تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک و زیست مشترک بوده‌اند. با یک نگاه گذرا، می‌توان سرزمین‌ها و مردمی را که مشخصات آنها برشمرده شد و می‌بایست به عنوان اولویت نخست سیاست خارجی ملی در نظر گرفته شوند، باز شناخت.

این سرزمین‌ها، مناطقی از قفقاز تا آسیای میانه و از سند تا فرات را در بر می‌گیرد؛ یعنی، سرزمین‌ها و مردمانی که با ما از نظر تاریخ، فرهنگ، تبار و زیستگاه مشترک بوده‌اند. مهم‌تر این‌که هنوز نیز از نظر سرنوشت، ما با آنان و آنان با ما، شریک و همبازیم.

با توجه به این واقعیت که امروزه سرزمین‌های مزبور، دارای مرزهای دولتی شناخته شده و نظام‌های حکومتی مستقل هستند، نخستین اولویت سیاست خارجی ایران، هم‌گرایی با کشورها و مردمان یاد شده است.

از میان مردم و کشورهایی که از آنها یاد شد، در حال حاضر سرزمین افغانستان، دچار بلای «طالبان» است و تاجیکستان، هنوز نتوانسته عوارض به جای مانده از کشمکش‌های سال‌های آغازین استقلال و بی‌آمدهای بعدی آن را برطرف کند. در نتیجه، هر دو کشور مزبور، امروز با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. گرچه مشکلات تاجیکستان از جنس دیگر و مصیبت افغانستان از گونه دیگری است.

متأسفانه در این میان، دستگاه‌های متولی سیاست خارجی ایران با پیش گرفتن سیاست خارجی نادرست، نه تنها نتوانسته‌اند به اولویت‌های راستین سیاست خارجی ملی ایران در مورد کشور و مردم افغانستان، پاسخ دهند، بلکه در مواردی باعث دلسردی دولت و مردم

کشور مزبور هم شده‌اند. بدین‌سان، در اثر عدم درک باید‌های سیاست ملی و در نتیجه، به عمل نیاوردن حمایت لازم از دولت برهان‌الدین ربانی که نماینده واقعی اکثریت مردم کشور مزبور به شمار می‌رود، «انسان نمایان طالبان» با حمایت‌های تسلیحاتی پاکستان و منابع مالی عربستان سعودی و امارات متحده عربی، توانستند سلطه ظالمانه و قرون وسطایی خود را بر بخش‌های بزرگی از سرزمین افغانستان بگسترانند.

در حالی که حکومت لرزان کشور عقب‌افتاده و فقر و جهل زده پاکستان، بدون پرده‌پوشی، از طالبان حمایت می‌کند و حکومت‌های وابستگی عربستان سعودی و امارات متحده عربی،

آشکارا به حمایت مالی و سیاسی از طالبان برمی‌خیزند، دولت ایران به دلیل گزینش نادرست و اولویت‌بندی غلط سیاست خارجی، قادر به دفاع از دولت و مردم افغانستان نیست. در حالی که بر پایه همه موازین شناخته شده بین‌المللی، عرف بین‌المللی، تاریخ و... دفاع از دولت و مردم افغانستان برابر یورش «عوامل خارجی»، حق مسلم و مشروع ملت ایران است.

ندادن امکان به آقای برهان‌الدین ربانی رییس دولت افغانستان برای فرار گرفتن در کرسی نمایندگی مردم افغانستان در کنفرانس سران کشورهای اسلامی، در حالی که

کنفرانس مزبور در تهران برگزار شد و رییس کنفرانس نیز رییس‌جمهور اسلامی بود، با بازگشایی مرزها بر روی حاکمیت طالبان به عنوان «بازرگانی» که می‌تواند در عرف بین‌الملل به عنوان شناسایی «دو فاکتور»ی طالبان به شمار رود، از جمله اشتباهات بارزی است که انجام شده است. این در حالی است که عناصر مسلح طالبان تا عمق ۳۵۰ کیلومتری ایران نفوذ می‌کنند و مردان، زنان، دختران و پسران ایرانی را به گروگان گرفته و پول برای آزادی آنان طلب می‌کنند. دام‌های مردم را غارت می‌کنند و حاصل دسترنج کشاورزان را به یغما می‌برند. اما، هیچ واکنشی از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، دیده نمی‌شود.

شرکت سکو ایران



تمت لیسانس کارفانجات سکو ایتالیا

تولید کننده:

پروفیل، لر، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه‌ای، سقف کاذب، نرده، ملزومات اداری و کرکره برقی سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای شمالی،

شماره ۲۶۴، ساختمان سکو

تلفن: (۱۰ خط) ۸۹۰۴۸۶۶

تکس: SEIR ۲۱۴۳۲۷ فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

E-mail: Secco @ dpi.net.ir

سخنگوی وزارت خانه مزبور که حتا برای نوشته روزنامه‌ای در «ناکجا آباد» واکنش نشان می‌دهد، در مورد این‌گونه مسایل که کار آن به روزنامه‌ها و سرانجام به صحن علنی مجلس شورای اسلامی نیز کشیده است، سکوت را مراعات می‌کند.

مردم تاجیکستان که در نخستین روزهای استقلال با شوقی ویژه به ایران و حکومت ایران می‌نگریستند، امروزه همه امیدهای خود را از دست داده و به ناچار و با اکراه و اجبار، راه پناهجویی به دامن روس‌ها را در پیش گرفته‌اند. در حالی که هرگاه اولویت‌بندی سیاست خارجی جمهوری اسلامی درست بود و به جای جانبداری از یک اقلیت کوچک که خود را «مذهبی» نشان می‌دادند، کلیت سرزمین و مردم تاجیکستان می‌اندیشید و پیوندها و اشتراکات هزاران ساله را در نظر می‌گرفت، امروز «تراز عملکرد» در آن سرزمین چیز دیگری بود. بدون تردید عملکرد درست در تاجیکستان، می‌توانست تأثیر زیادی در کشورهای همسایه تاجیکستان که با ما دارای اشتراکات بسیار هستند، باقی بگذارد. حتا بدون آرمان‌خواهی و آرمان‌شناسی، مشکلات تاجیکستان با سالیانه چندصد میلیون دلار (سرمایه‌گذاری + وام) قابل برطرف کردن بود. دوستی که از «دوشنبه» آمده بود، تعریف می‌کرد که در محافل حکومتی و هم‌چنین میان فرهیختگان و دانشگاهیان تاجیکستان، سخن بر سر این است که جمهوری اسلامی در عرض نزدیک به ده سال که از استقلال کشور ما می‌گذرد، تنها «شعار» تحویل ما داده است. او می‌گفت: اکثریت آنان، بسیاری از مشکلات تاجیکستان را فرآیند و پی‌آمد سیاست خارجی نادرست دیپلماسی تهران می‌دانند.

در افغانستان نیز، جز این نیست. در گفتگوهایی که گهگاه با هم‌خانمانان افغانستانی دست می‌دهد، آنان نیز می‌گویند که دولت قانونی افغانستان از عملکرد حکومت ایران، راضی نیست. هم‌چنین است، فرآیند سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه قفقاز، آسیای میانه، کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و در مورد کردها و...

حال اگر، به دلایلی که معلوم نیست، سیاست نانوخته‌ای وجود دارد که نمی‌بایست به مشترکات مردم ایران و مردم و ملت‌های این منطقه از جهان اشاره شود، چرا وزارت امور خارجه، مسأله را از دیدگاه «اسلام» مورد توجه

قرار نمی‌دهد؟ آن‌چه در این میان، حیرت و سردرگمی برخی از ناظران سیاست خارجی جمهوری اسلامی را برمی‌انگیزد، این نکته است که گویا «مسلمان» بودن مردم قفقاز، افغانستان، آسیای میانه، کردها و... از چشم سیاستگذاران خارجی جمهوری اسلامی پوشیده مانده است.

عراق علیه ایران، در کنار صدام حسین قرار داشت. وی با فرستادن مزدوران فلسطینی به جبهه‌های جنگ، در کشتار مردم ایران و ویرانی سرزمین‌های ایران، شرکت داشت. حال چه تضمینی وجود دارد که فردا، همین حکومت، دست در دست اسراییل علیه منافع ایران، اقدام



چه تضمینی وجود دارد که فردا حکومت عرفات دست در دست اسراییل علیه ایران اقدام نکند؟

نخواهد کرد؟ چه تضمینی هست که هرگاه حکومت فلسطین از زیر فشار اسراییل خلاص شد، همگام با دیگر اعضای شورای هم‌آهنگی خلیج فارس، مدعی تعلق جزایر ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به شیخ شارجه، نخواهد شد؟

تجربه به ما نشان داده است که کشورهای فقیر عرب مانند اردن، سوریه، لبنان، حکومت خودگردان فلسطین و... نیازمند دلارهای نفتی عربستان و امارات‌اند.

در این میان، اگر برخی از آنان گه‌گاه خود را به جمهوری اسلامی نزدیک می‌کنند، برای آن است که بتوانند از دلارهای نفتی بیشتری برخوردار شوند و در حقیقت «نرخ» خود را بالا ببرند.

شناخت اولویت‌های سیاست خارجی ایران، نیاز به هوش سرشار، پژوهش‌های درازمدت و تجربه‌ای طولانی ندارد. تجربه ۲۰ سال گذشته می‌تواند راه‌گشا باشد.

یا ریی پرده از در و دیوار

در تجلی است، یا اوالابصار

هرگاه از این منظر و با قبول این واقعیت به مسأله نگاه کنیم، در آن صورت به سادگی درمی‌یابیم که افغانستان و تاجیکستان، کم‌ارزش‌تر از فلسطین و لبنان نیست. ارزش روابط خوب، هم‌گرایی و هم‌آوایی و زنده نگاه داشتن و تحکیم مشترکات با افغانستان، تاجیکستان و دیگر مناطقی که از آن نام برده شد، بدون تردید در درازمدت با توجه به تأثیر آن بر مسایل آینده ایران و منطقه، بسیار مؤثرتر از هزینه کردن توان سیاست خارجی کشور به پای مناطق دیگر و از جمله فلسطین است.

سوری‌ها، با وجود همه محبت‌های جمهوری اسلامی و حاتم بخشی‌های بسیاری از «خزانة مردم» در نشست‌های سران شورای هم‌کاری خلیج فارس (۲+۶)، از ادعاهای دروغین ارضی شیخ شارجه و امارات علیه ایران جانبداری کرده‌اند. جالب این‌جاست که با این وجود در تمام موارد، وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرده است که روابط ما با سوریه «استراتژیک»، (راهبردی) است.

یاسر عرفات، رییس حکومت خودگردان فلسطین، در تمامی سال‌های جنگ تحمیلی